

در مدرسه عاشورا

عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای مفاظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کویک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضعی و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند.

گريده ای از بيانات مقام معظم رهبري ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

شماره ۲

ویژه نامه برنامه «در مدرسه عاشورا»

شهریور ۱۳۹۹ - مهرم المرام ۱۴۴۲

ZAER.HAJJ.IR



حجت الاسلام و المسلمین نظری منفرد: ساکنان در برابر حق، حامیان باطل هستند

امام(علیه السلام) «حجاج بن مسروق جعفی» را به نزد او فرستاد. حجاج به خیمه عبدالله بن حر آمد، سلام کرد و گفت: ای پسر حر! به خدا سوگند! اگر شایسته آن باشی که بپذیری خداوند به تو کرامتی عظیم هدیه کرده است. گفت: کدام کرامت؟ حجاج پاسخ داد: این حسین بن علی(علیه السلام) است، که تو را به یاری خویش فرا می‌خواند. پس اگر در رکاب آن حضرت با دشمنانش نبرد کنی، پادش بزرگی نصیب تو خواهد شد و اگر کشته شوی، به فیض شهادت نایل گردی.

«عبدالله بن حر» گفت: من از کوفه بیرون نیامدم مگر آن که بیم داشتم حسین بن علی(علیه السلام) به کوفه قدم گذارد و من آنجا باشم و یاری اش نکنم. در کوفه هیچ یآوری نمانده مگر آن که به دنیا رو کرده است، خدمت امام برگرد و این مطلب را به عرضشان برسان.

حجاج نزد امام آمد و ماجرا را به عرض امام(علیه السلام) رساند. اگر حقان را به ما دادند خدا را بر آن شکر کرده و می‌پذیریم و اگر آن را از ما بازداشتند و به ظلم و ستم بر ما چیره شدند تو در طلب حق، از یاوران من خواهی بود و در هر دو صورت زبانی نخواهی دید.

ادامه در صفحه بعد

حجت الاسلام و المسلمین نظری منفرد در ویژه برنامه «در مدرسه عاشورا» که بصورت مجازی پخش شد با اشاره به ماجرای کربلا، سکوت در برابر حق و دفاع نکردن از سیدالشهدا علیه السلام را از مصادیق حمایت از باطل دانست و هشدار داد که مسلمانان در دام چنین فتنه‌ای قرار نگیرند. نهضت امام حسین (ع) دارای ویژگی‌های زیاد است که می‌توان از این نهضت برای هدایت جامعه استفاده کرد، زیرا در نهضت حسینی عبرت‌های زیادی وجود دارد.

ایشان با بیان اینکه امام حسین (ع) چراغ هدایت جامعه است، افزود: حوادثی که در واقعه کربلا رخ داد، تمام آنها می‌تواند برای انسان درس عبرت باشد، بنابراین باید جنبه‌های مثبت و جنبه‌های منفی آن را شناخت تا در زندگی گرفتار لغزش و سقوط نشویم.

حجت‌الاسلام نظری منفرد، جریان عبدالله بن حر جعفی را یکی از موضوعاتی مهم و عبرت آموز در ماجرای کربلا دانست و تاکید کرد: کسانی که در برابر حق سکوت کنند، همانند کسانی هستند که از باطل حمایت کرده‌اند. زیرا هنگامی که امام حسین(علیه السلام) با سپاه اندک خویش به «قصر بنی مقاتل» رسید در آنجا خیمه‌ای توجهنش را جلب کرد، پرسید: «این خیمه از کیست؟» گفتند: «عبدالله بن حر جعفی».

حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی رستم نژاد:

سیدالشهداء با منتقدان هوشمندانه و گریمانه برخورد می‌کردند

حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه‌های علمیه در ویژه برنامه در مدرسه عاشورا به شیوه‌های رفتاری امام حسین علیه السلام در مواجهه با نصیحت کنندگان و پیشنهاد دهندگان اشاره کرد و گفت: در زمانی که امام حسین علیه السلام به سوی کربلا عازم شدند در این بین افرادی بودند که در طول سفر به کربلا یا در خود کربلا با حضرت دیدار کردند و در دیدارها پیشنهادهایی به ایشان ارائه می‌کردند. برخی در این دیدارها گفتند از این سفر منصرف شوید و برخی گفتند از این مسیر منصرف شوید. متأسفانه عده‌ای از انسانها در مورد هر چیزی اظهار نظر می‌کنند که در حوزه کاری و تخصصی آن‌ها نیست، حتی این افراد در مواجهه با امام معصوم هم این کار را تکرار می‌کنند. این یک عادت مثبت نیست و در نگاه کلان حق نداریم در هر چیزی دخالت کنیم، زیرا انسان‌های عاقل چنین کاری را روا نمی‌دانند که در هر امری دخالت کنند؛ اما امام علیه السلام در مواجهه با پیشنهاد دهندگان چه رفتاری از خودش بروز داد؟ که این رفتار می‌تواند برای ما سرمشق باشد. در خصوص رفتار امام سه اصل بیان می‌شود:

اول: برخورد امام حکیمانه و هوشمندانه است. زیرا هر کس هر پیشنهادی داشت را ارائه می‌کرد، امام گوش می‌کرد و برخورد هوشمندانه داشت. پاسخ امام به هر کس متفاوت است چون انگیزه‌های ناصحان مختلف بود برخی از روی خیرخواهی، برخی از روی حسادت، و برخی هم کتمان می‌کردند.

دوم: برخورد امام مقتدرانه است. هرگز امام را در این عرصه‌ها سست و ضعیف نمی‌بینیم مثل اینکه مروان حکم در مدینه، به امام پیشنهاد بیعت می‌دهد و برخورد امام بسیار مقتدرانه و معنادار است که می‌فرماید:

و یحک! أتأمرنی بیعة یزید و هو رجل فاسق! لقد قلت شیطا من القول یا عظیم الزلل! لا أومک علی قولک لأنک اللعین الذی لعنک رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و أنت فی صلب أییک الحکم بن أبی العاص، فان من لعنته رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) لا یمكن له و لا منه الا أن یدعو الی بیعة یزید. (سیدین طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۹). من حتی تو را ملامت هم نمی‌کنم چونکه تو در صلب پدرت بودی که پیامبر تو را لعنت کرد و پدرت را لعنت کرد.

سوم: رفتار امام به صورت نرمش قهرمانانه است. هوشمندی که در هر جایی نباید هزینه بدهد وقتی والی مدینه سفارش و توصیه به امام علیه السلام دارد امام می‌فرماید: ما اهل بیت پیغمبر و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستیم و یزید شارب الخمر است و معن به فسق است و ... یعنی امام دو خط را تبیین می‌کند. بنابراین امام معصوم با هر کسی مطابق با شخصیتش برخورد می‌کند و این برای ما درس آموز است.





ماه محرم در کلام امام رضا (ع)

ریان بن شیبب، گوید: در نخستین روز ماه محرم، به محضر حضرت رضا علیه السلام رسیدم. به من فرمودند: این روز، روزیست که حق تعالی دعای حضرت زکریا علیه السلام را مستجاب گردانید و او را به یحیی بشارت داد. پس هر که این روز را روزه بگیرد، دعای او مستجاب گردد.

ای پسر شیبب به راستی محرم همان ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته ظلم و قتال را بخاطر احترامش در آن حرام می‌دانستند و این امت حرمت این ماه را نگه نداشتند و نه حرمت پیغمبرش را در این ماه ذریه او را کشتند و زناش را اسیر کردند و اموالش را غارت کردند خدا هرگز این گناه آنها را نیامزد.

ای پسر شیبب اگر برای چیزی گریه خواهی کرد برای حسین (ع) گریه کن که چون گوسفند سرش را بریند و هجده کس از خاندانش یا او کشته شد که روی زمین ماندند و آسمانهای هفت گانه و زمین برای کشتن او گریستند و چهار هزار شته برای یاریش بزمین آمدند و دیدند کشته شده و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود باشد تا قائم (ع) ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها یا لثارات الحسین است

ای پسر شیبب پدرم از پدرش از جدش برایم باز گفت که چون جدم حسین (ع) کشته شد آسمان خون و خاک سرخ بارید.

ای پسر شیبب اگر بر حسین گریه کنی تا اشکت بر گونه‌های روان شود خدا هر گناهی کردی از خرد و درشت و کم و بیش بیامزد.

ای پسر شیبب اگر خواهی خدا را ملاقات کنی در حالیکه بر تو هیچ گناهی نباشد حسین را زیارت کن.

ای پسر شیبب اگر خواهی در غرفه‌های ساخته بهشت با پیغمبر و اهل بیتش ساکن شوی بر قاتلان حسین لعن کن. ای پسر شیبب اگر خواهی ثواب شهیدان با حسین را دریابی هر وقت بیادش افتادی بگو کاش با آنها بودم و به رستگاری عظیم می‌رسیدم.

ای پسر شیبب اگر خواهی با ما در درجات بلند بهشت باشی برای حزن ما محزون باش و برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش و اگر مردی سنگی را دوست دارد با آن خدا روز قیامت محشورش کند.

امام رضا (ع) همچنین فرمود: پدرم چون ماه محرم داخل می شد، خندان دیده نمی شد و محزون بود تا روز عاشورا. چون روز عاشورا می شد آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه او بود و می فرمود: امروز روزی است که حسین علیه السلام شهید شده است.

این طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال (ط - القدیمه)



ادامه از صفحه اول

محبت الاسلام و المسلمین نظری منفرد: ساکنان در برابر حق، حامیان باطل هستند

عبیدالله بن حرّ عرض کرد: به خدا سوگند! ای فرزند رسول الله (صلی الله علیه وآله) اگر در کوفه کسانی بودند که تو را یاری کرده و در رکابت پیکار می نمودند، من مقاوم ترین آنان در برابر دشمنان بودم. ولی من در کوفه شاهد بودم که مدعیان پیروی تو از ترس بنی امیه و شمشیرهایشان به خانه های خود خزیدند. تو را به خدا سوگند که این خواهش را از من مکن. من هر چه بتوانم - از کمک های مالی - از تو دریغ نخواهم کرد این اسب را از من بپذیر که در پی کسی با آن روان نشدم مگر آن که بر او دست یافتم و با آن از مهلکه ای نگریختم جز آن که نجات یافتم و این شمشیر را تقدیم تو می کنم که به هر چه فرود آوردم آن را بریدی. عبیدالله بن حرّ عرض کرد: نه، هرگز چنین نخواهد شد! و من با دشمن شما همراهی نخواهم کرد.

امام (علیه السلام) بار دیگر با این سخنان پر معنی خود نشان می دهد با این که امیدی به مردم کوفه ندارد و می داند آنها بی وفاتر از آن هستند که به پیمان و دعوت نامه های خود وفا کنند و به یاری او برخیزند، باز به راه خود ادامه می دهد، زیرا رسالت او چیز دیگری است و برنامه ای دیگر. در ضمن هر کس را ببیند با او اتمام حجت می کند، و صاحبان نفوس مطمئن و سعادتمندان پرافتخار و مؤمنان راستین را با خود همراه می سازد، تا در آن کارزار تاریخی عاشورا شهید شهادت را بنوشند و با خون های پاک خود نهال اسلام را آبیاری کنند و پرده از چهره منافقان و دشمنان قسم خورده اسلام برفکنند.

زمانی که امام حسین (ع) در قصر بنی مقاتل با عبیدالله ملاقات کرد و یکی از یاران خودش را به نام حجاج بن یوسف را فرستاد برای دعوتش. آمد نزد عبیدالله بن حرّ و بر اساس فرمایش امام دعوت کرد. ایشان شنیده بود امام (ع) می آید به سمت کوفه، از کوفه بیرون آمده که ملاقاتی با امام نداشته باشد در واقع می خواست شخصی باشد بی طرف و این نمی شود که انسان وقتی در مقابل حق و باطل قرار می گیرد نمی تواند بی طرف باشد.

قرآن کریم می فرماید: فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ. یا حق است و یا گمراهی و اگر کسی گفت من بی طرف هستم این بی طرفی یعنی حمایت نکردن از حق یعنی در مسیر باطل حرکت کردن. ایشان به حجاج بن مسعود گفت من از کوفه آمدم بیرون که با امام ملاقات نکنم و حجاج بن مسعود برگشت و پیام را به امام (ع) رساند و حضرت خودشان حرکت کردند و آمدند به سمت عبیدالله بن حرّ بلکه انسان به خود بیاید و فکر کند و اندیشه کند. خود ایشان می گوید که امام (ع) با عده از جوانان بنی هاشم به سمت خیمه من می آیند بلند شدم و سلام کردم و او را در جای مناسب نشاندم و در برابر حضرت مودبانه نشستم حضرت به ایشان فرمود: عبیدالله تو گذشته ات گذشته نامناسبی بوده و پرونده خوبی نداری، می توانی جبران کنی و جبرانش این است که امروز از فرزند رسول خدا (ص) و در برابر منکری مثل یزید بیا و دفاع کن و ایشان گفت که من یک اسب چابکی و یک شمشیر خوبی دارم و حاضرم اینها را در اختیار شما بگذارم و شما از این معرکه بیرون بروید و اگر بمانید به دست سپاه بنی امیه کشته خواهید شد.

حضرت فرمود لا حاجه لنا فیک و لا فی سیفک و لا فی فرسک. ما حاجتی به شمشیر و اسب تو نداریم و ما کنت متخذ المصلین عسدا. ما افرادی که دوست ندارند و می خواهند در مسیر گمراهی حرکت کنند اینها را به عنوان کمک بر نمی گزینیم فقط امام جمله ای به ایشان گفتند که حالا که نمی خواهی همراهی کنی از این منطقه بیرون برو من فردا با این دشمن روبرو خواهم شد و صدای هل من ناصر من بلند خواهد شد و اگر صدای مرا بشنوی و تو یاری نکنی به عذاب گرفتار خواهی شد. عبیدالله حرکت کرد و دعوت امام را نپذیرفت و بعد از عاشورا شنید امام شهید شده و آمد کربلا و اجساد هنوز دفن نشده بودند و یک نگاهی کرد به بدنهای بی سر و قطعه قطعه و نشست و گفت فیا لک حسرتا ما دمت حیا تردد بین روحی و تراقی ... امام از من دعوت کرد و من دعوت را نپذیرفتم اکنون تا زنده هستم پشیمانم و حسرت می خورم اگر دعوت را لبیک گفته بودم حتما به سعادت می رسیدم. این ماجرای تاریخی که باید از آن عبرت گرفت امروز اینکه انسان وقتی سعادت به رو می آورد باید فرصت را غنیمت بشمارد و اگر بر نفس غالب شود می تواند سعادتمند شود و انسان تا می تواند باید فرصتهای خوب را از دست ندهد.

محبت الاسلام و المسلمین مسینی قمی: چرا می گویند کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا؟



حجت الاسلام و المسلمین حسینی قمی در ویژه برنامه "در مدرسه عاشورا" با اشاره به عبارت مشهور «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، گفت: این عبارت نشان می دهد که عاشورا برای تکرار و شنیده شدن است که می توان از آن پیام های مهم استقامت، بردباری و ایمان را فهمید در این آزمون بزرگ عده ای موفق شدند و عده ای شکست خوردند کسانی که با بردباری و ایمان در رکاب سیدالشهدا علیه السلام قرار گرفتند و به شهادت رسیدند و کسانی که آقا را یاری نکردند و تکرار محرم برای این است که بررسی کنیم الان کجای تاریخ ایستاده ایم؟ امروز برای یاری دین خدا در چه مرحله ای قرار داریم؟

کسانی که امام را یاری کردند ۴ دسته بودند:

- ۱ - کسانی که از مدینه با امام همراهی کردند و روز ۲۷ رجب شبانه حرکت کردند.
- ۲ - کسانی که در مکه به امام ملحق شدند (در حدود ۴ ماهی که امام ع در مکه بودند از ۳ شعبان تا ۸ ذی حجه).
- ۳ - کسانی که در مسیر مکه تا کربلا به امام علیه السلام ملحق شدند که (۸ ذی حجه تا ۲ محرم) می شود.
- ۴ - کسانی که در خود کربلا به یاری فرزند رسول خدا شتافتند مثل حبیب بن مظاهر و سایرین.

اما کسانی که در برابر امام ایستادند یا حاضر نشدند امام را یاری کنند. آنها هم ۴ دسته بودند:

- ۱ - کسانی که از روز اول دعوت امام را در مدینه نپذیرفتند.
- ۲ - کسانی که در مکه دست رد به ولی خدا زدند.
- ۳ - کسانی که در بین راه امام آنها را به همراهی دعوت کردند ولی حاضر نشدند امام را یاری کنند و یا از امام جدا شدند. افرادی مثل عبیدالله بن حرّ جعفی در مسیر راه بود و امام از او دعوت کرد اما نپذیرفت.
- ۴ - کسانی که در کربلا از امام جدا شدند.

این داستان در منابع بسیار قدیمی ما مثل تاریخ طبری، الکامل فی التاریخ هست. شخصی به نام ضحاک بن عبدالله مشرقی می گوید: من تا عصر عاشورا با امام بودم و همه به شهادت رسیدند فقط دو نفر باقی مانده بودند نوبت من شد مقداری جنگیدم اما برگشتم خدمت امام و گفتم که کشته شدن من چه سودی دارد؟ این لشکر که شما را می کشند پس اجازه دهید من به سلامت به کوفه برگردم. این شخص بی سعادت عصر عاشورا امام را تنها گذاشته و به کوفه برگشته و در همان ساعتی که او سلامت به کوفه رسید سمرقندس امام را بالای نیزه زدند.

پیام عاشورا این است: که اگر ندای ولی و حجت خدا برای یاری دین به گوش ما می رسد، ما در کجا ایستاده ایم و آیا امام را یاری می کنیم؟ و اگر آن روز بودیم چکار می کردیم و در کدام صف قرار داشتیم، این آزمون برای همه ماست. در زیارت اربعین آمده است که امام برای هیچ کسی عذر و بهانه ای باقی نگذاشت و خیرخواهی را به آخر رساند، امام خون قلبش را برای خدا تقدیم کرد تا بندگان را از جهالت نجات دهد. ما باید پیام رسان عاشورا باشیم

در کتاب مناقب این شهر آشوب مازندرانی است که امام تا آخرین لحظات حتی در قتلگاه، با قاتل خویش با تبسم گفت قصد کشتن مرا داری؟ و مرا نمی شناسی. و امام تا آخرین لحظه دنبال این بود دست کسی را بگیرد تا نجات پیدا کنند مثل حر بن یزید ریاحی و زهیر بن قین و ...